

درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی

توماس جانوسکی
رابرت آر. آلفورد
الکساندر ام. هیکس
میلدرد ای. شوارتز

ترجمه

بودن نظری

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

نشر مخاطب

۱۳۹۶

عنوان و نام پدیدآور	:	درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی / [ویراستاران] توماس جانوسکی ... [و دیگران]؛ ترجمه نوذر نظری.
مشخصات نشر	:	تهران : نشر مخاطب، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۴۵۵ ص. : نمودار.
شابک	:	978-600-5750-53-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: The handbook of political sociology : states, civil societies, and globalization, 2005.
یادداشت	:	[ویراستاران] توماس جانوسکی، رابرت آر. آلفورد، الکساندرام. هیکس، میلدرای. شوارتز.
یادداشت	:	ب. حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.
موضوع	:	جامعه‌شناسی سیاسی
موضوع	:	Political sociology
موضوع	:	جامعه مدنی
موضوع	:	Civil society
موضوع	:	دولت
موضوع	:	State, The
موضوع	:	جهانی‌شدن
موضوع	:	Globalization
شناسه افزوده	:	جانوسکی، تامس، [و دیگران]
شناسه افزوده	:	Janoski, Thomas
شناسه افزوده	:	نظری، نوذر، ۱۳۵۴ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ۶۴/۷۶JA
رده بندی دیویی	:	۲/۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۸۵۲۵۲۱



مک‌مخاطب

عنوان: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی

نویسنده: دکتر علی شریعتی

صفحه‌آرا: لیلا کاظمی

طراح جلد: الهه کاظمی

ناشر: مخاطب

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۸۷۲۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، ابتدای جمالزاده جنوبی، برج ۲۰۱، واحد ۳، تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۵۸۲۲۵

پست الکترونیکی: www.mokhtab1400@gmail.com

سایت: www.mokhtabbook.com

مراکز پخش:

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۷۴۴۴۵

تهران، خیابان ۱۲ فروردین، بین روضه‌مهر و نظری، بن‌بست حقیقت‌یلاک ۴، واحد ۴، کتاب آوا

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۹۰۲۰۹

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خ اردیبهشت (منیری جاوید) خ لیاقتی‌تراه ک درخشان، مرکز توزیع کتاب توحید دشت

مراکز فروش:

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۰۴۱۱۰

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲، انتشارات چاپخش

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۶۲۸۷

تهران، میدان انقلاب، نبش خیابان منیریه (جاوید) تالار بزرگ کتاب، پلاک ۳۲ کتابفروشی آرمان علم

فهرست مطالب

۱۳.....	سخن مترجم.....
۱۵.....	پیش در آمد.....
۲۷.....	مقدمه.....
۲۷.....	جامعه‌شناسی سیاسی در هزاره جدید.....
۳۳.....	جای خالی یک کتاب مرجع در جامعه‌شناسی سیاسی.....
۳۶.....	دو چالش جدید.....
۳۹.....	اولین چالش: فرهنگ سر مارنسته.....
۴۸.....	دومین چالش- تئوری انتخاب عقلانی.....
۵۴.....	چالشگران و به چالش کشیده شد.....
۶۱.....	فرضیه‌ها و رویکرد موجود در کتاب راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی.....
۶۳.....	رویکردهای تئوریک به جامعه‌شناسی سیاسی.....
۶۸.....	مؤسسات حقوق عمومی با کنترل سه جانبه.....
۶۸.....	پایه‌ها و ریشه‌های اجتماعی سیاست در جامعه مدنی.....
۷۳.....	توضیحی درباره دولت و سیاست‌های آن در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی.....
۷۹.....	جهانی شدن دنیا و سیاست.....
۸۲.....	نتیجه گیری.....
۹۳.....	فصل اول: قانونگذاری، قانون شکنی و قدرت.....
۹۵.....	تعریف قدرت.....
۹۸.....	منابع قدرت: رویکرد توزیعی.....

۱۰۲	روابط متقابل و منابع قدرت
۱۱۱	بحث توانایی کنشگری
۱۱۳	قوانین به منزله ابزارهای اعمال قدرت
۱۱۹	دولت به عنوان اشاعه دهنده و اجرا کننده قوانین
۱۲۴	قانون شکنی
۱۲۶	قانون شکنی، عامات، (کارگزاری)
۱۴۱	فصل دوم: نو تکثرگرایی، کارکردگرایی جدید در جامعه شناسی سیاسی
۱۴۲	نو تکثرگرایی، سنت نو تکثرگرایی، رقابتی آن
۱۴۴	تکثرگرایی کلاسیک
۱۴۷	نو تکثرگرایی به انتقادات پاسخ می‌دهد
۱۵۲	پاسخ‌های نو تکثرگرایی به انتقادات (۲): عاملیت در پس زمینه
۱۵۶	تعاملات اصلی و تأثیرات جانبی
۱۵۸	نو تکثرگرایی به طور خلاصه
۱۶۰	نو کارکردگرایی و ریشه‌های کارکردگرایانه آن
۱۷۰	نتیجه‌گیری
۱۷۹	فصل سوم: تئوری‌های تضاد در جامعه‌شناسی سیاسی
۱۸۱	مارکسیسم، لیننیسم و تجدیدنظرطلبی
۱۸۳	تئوری‌های مارکسیستی و نظریه‌های تحت نفوذ مارکسیسم درباره دولت
۱۹۰	تئوری منابع قدرت
۱۹۵	تئوری انتقادی و رهایی
۱۹۹	تئوری‌های نظام جهانی و جهانی شدن
۲۰۲	طبقه، پایگاه و تضاد نمادین: از وبر تا بورديو

۲۰۲	تئوری تضاد چندگانه وبر
۲۰۵	تئوری نخبگان قدرت سیاسی
۲۰۷	تئوری تضاد اولیه دوران پس از جنگ_دارندروف
۲۰۸	تئوریهای مناقشه عمومی نئووبری_کولین و ترنر
۲۱۱	تلفیق مایکل مان از قدرت ایدئولوژیک، اقتصادی، نظامی و سیاسی
۲۱۸	نتیجه گیری
	فصل ۱۰: تئوری دولت محور و نهادگرایی سیاسی: نگاهی به گذشته و چشم انداز آینده
۲۲۷	آینده
۲۲۹	خطرات و حساسیت، راحت تئوری دولتمحور
۲۳۱	یک تغییر مفهومی خود را باها: به سمت "دولتها"
۲۳۸	تئوری دولت محور: یک مثال و مداخله
۲۴۱	به سوی تئوری نهادگرایی سیاسی
۲۴۴	نهادگرایی سیاسی ساختاری
۲۴۷	به سمت یک بحث نهادی سنجیده تر
۲۵۱	برخی موضوعات در طرح های نظری نهادگرایی سیاسی
۲۵۴	کاربرد پژوهش و گامهای بعدی
۲۵۵	برجستگی و سکوت در تحلیلهای مقایسه ای و تاریخی
۲۵۹	بسط پروژه نظری نهادگرایی سیاسی
۲۶۵	نتیجه گیری
۲۶۷	فصل پنجم: فرهنگ، دانش، سیاست
۲۶۸	تاریخ اجمالی
۲۷۴	رویکردهای بعد از جنگ دوم جهانی به سیاست و فرهنگ

فرهنگ مدنی.....	۲۷۴
ذهنیت انبوهه.....	۲۷۶
ساختارگرایی.....	۲۷۸
نظریه انتقادی.....	۲۷۹
هژمونی (سیادت).....	۲۸۱
هم‌نهاد.....	۲۸۳
پست مدرنیسم و جهان شدن.....	۲۸۴
اشکال فرهنگ.....	۲۸۵
بسیج شهروندان.....	۲۹۰
خارج از دولت.....	۲۹۴
در درون دولت.....	۳۰۰
موضوعات بسط نیافته.....	۳۰۳
فصل ششم: نظریه‌پردازی فمینیستی و فمینیست‌ها در جامعه‌شناسی سیاسی.....	۳۱۱
دولت، قدرت و کارگزاری.....	۳۱۳
گفتمان‌های نئومارکسیستی و فمینیستی.....	۳۱۳
دولت پدرسالار.....	۳۱۵
سازوکارهای محروم‌سازی: تقسیم‌بندی عمومی/خصوصی.....	۳۱۸
معمای والشتن کرافت.....	۳۱۹
چرخش پست‌مدرنیستی: هویت‌های جنسی شده و اندیشه‌های فمینیستی.....	۳۲۲
گفتمان فمینیستی در بطن تئوریهای شهروندی.....	۳۲۷
جمهوری‌خواهی مدنی: مشارکت، حقوق و تعهدات.....	۳۲۸
تی.اچ.مارشال: شهروندی و عضویت اجتماعی.....	۳۳۱

۳۳۷	تضادهای نظریه شهروندی جنسیتی.....
۳۳۸	گفتمان حقوق.....
۳۴۰	چالش‌های وارده به نظریه‌پردازی فمینیستی و شهروندی.....
۳۴۰	نظریه چندفرهنگی و تفاوت‌های گروهی.....
۳۴۴	نتیجه‌گیری.....
۳۴۹	فصل هشتم: نظریه گفتمان پساساختارگرا: فوکو، لاکلاو، موفه و ژیزک.....
۳۵۶	نظریه گفتار به مثابه بررسی مفهوم سیاست.....
۳۶۰	تنوری گفتمان پساساختارگرا در یک کلام.....
۳۶۶	گفتمان.....
۳۶۹	هژمونی (سیادت).....
۳۷۱	ضدیت‌گرایی اجتماعی.....
۳۷۲	جابه‌جایی.....
۳۷۳	شکاف سوژه.....
۳۷۴	تنوری گفتمان: محکوم شده، دفاع نموده.....
۳۷۶	ساخت پیشینی انحراف اجتماعی سیاست.....
۳۸۰	وظایف پیش رو.....
۳۸۷	فصل هشتم: نظریه‌های انتخاب عقلانی در جامعه‌شناسی سیاسی.....
۳۸۸	تنوری انتخاب عقلانی جامعه‌شناختی: چشم‌اندازی مختصر.....
۳۹۰	الگوهای انتخاب عقلانی مربوط به نهادهای سیاسی.....
۳۹۳	تصویری از نهادگرایی جدید: تنوری عاملیت (کارگزاری).....
۳۹۷	الگوهای انتخاب عقلانی ابعاد فرهنگی سیاست.....
۴۰۳	تکامل کار انتخاب عقلانی در حوزه کنش جمعی.....

تضادهای نظریه شهروندی جنسیتی.....	۳۳۷
گفتمان حقوق.....	۳۳۸
چالش‌های وارده به نظریه‌پردازی فمینیستی و شهروندی.....	۳۴۰
نظریه چندفرهنگی و تفاوت‌های گروهی.....	۳۴۰
نتیجه‌گیری.....	۳۴۴
فصل هشتم: نظریه گفتمان پسااخترگرا: فوکو، لاکلاو، موفه و ژیزک.....	۳۴۹
نظریه گفتار به مثابه بررسی مفهوم سیاست.....	۳۵۶
تئوری گفتمان پسااخترگرا در یک کلام.....	۳۶۰
گفتمان.....	۳۶۶
هژمونی (سیادت).....	۳۶۹
ضدیت‌گرایی اجتماعی.....	۳۷۱
جابه‌جایی.....	۳۷۲
شکاف سوژه.....	۳۷۳
تئوری گفتمان: محکوم شده، دفاع نموده.....	۳۷۴
ساخت پیشینی انحراف اجتماعی سیاست.....	۳۷۶
وظایف پیش رو.....	۳۸۰
فصل هشتم: نظریه‌های انتخاب عقلانی در جامعه‌شناسی سیاسی.....	۳۸۷
تئوری انتخاب عقلانی جامعه‌شناختی: چشم‌اندازی مختصر.....	۳۸۸
الگوهای انتخاب عقلانی مربوط به نهادهای سیاسی.....	۳۹۰
تصویری از نهادگرایی جدید: تئوری عاملیت (کارگزاری).....	۳۹۳
الگوهای انتخاب عقلانی ابعاد فرهنگی سیاست.....	۳۹۷
تکامل کار انتخاب عقلانی در حوزه کنش جمعی.....	۴۰۳

۴۰۶	الگو‌بندی بُعد تاریخی سیاست
۴۰۹	نتیجه‌گیری
۴۲۱	فصل نهم: نظریه‌های نژاد و دولت
۴۲۲	نظریه‌های نژاد و قومیت
۴۲۷	نهادهای سیاسی و نژاد
۴۳۶	ساختار سازی دولت‌های لیبرال دموکراتیک و دولت‌های نژادی
۴۴۱	نتیجه‌گیری
۴۴۹	نمایه

فهرست منابع و شکارها و جداول

۳۷	نمودار ۱-۱: مسیرها و مسیریابی‌های مجدد جامعه‌شناسی سیاسی
۶۸	شکل ۱-۲: ساختار جامعه مدنی و دولت (جانسوک ۱۹۹۸)
۳۶۳	جدول ۷-۱: مراحل سه‌گانه نظریه انتخاب عقلانی لاکلاو و موفه

مقدمه

جامعه‌شناسی سیاسی در هزاره جدید

لکزینگتون، آتلانتا و نیویورک، ۲۰۰۴

الکساندر ام. هیکس، توماس جانوسکی و میلدرد ای. شوارتز

اگرچه از عمر جامعه‌شناسی مدرن، بیش از یک قرن می‌گذرد اما این رشته در دهه‌های متوالی بعد از پیروزی در جنگ جهانی دوم و جنبش ضد جنگ ویتنام وارد دوره حیاتی خود شد. به طور ویژه اثر مهمی نه در استقرار مسیر پژوهش سیاسی با تأکید ویژه بر «بنیان‌های اجتماعی علم سیاست» نشر ویژه‌ای داشت، کتاب «انسان سیاسی» سیمور مارتین لیپست، (۱۹۶۰) بود که در قرن بیست به چاپ رسید و به عنوان یک مأخذ کلاسیک در کتاب «شاخص مأخذ نویسی علوم اجتماعی» از آن بهره‌ی فراوانی برده شد. پتانسیل‌های در حال تغییر بنیان‌های اجتماعی و علم سیاست دوباره توسط کتاب مشهور ویلیام جی. دامهوف با نام «چه کسی بر آمریکا حتمانی می‌کند» (۱۹۶۷)، که علاقه به [بررسی] قدرت سرمایه داری را بر انگیخت کتاب «استراتژی اعتراض اجتماعی» ویلیام گامسون، (۱۹۷۵)، که توجه به بنیان‌های عرسی قدرت را به فراسوی گروه‌های ذی نفع در جنبش‌های اجتماعی توسعه داد و کتاب «آریکان لاتین: اصلاح انقلاب» ماوریس زیتلین (۱۹۶۷)، که علاقه تازه‌ای را به حوزه سیاست در درون جنبش‌های کارگری گشود، دوباره مسیریابی شدند. اوج گرفتن نهادگرایی دولت محور در سال‌های دهه ۱۹۸۰، با کتاب «بازگشت دولت به عقب» که توسط پیتر ایوان، دیریک راشمیر و تدا اسکاچپول در ۱۹۸۵ مورد بازبینی قرار گرفت، تأثیر عمده‌ای بر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بر جای گذاشت.

آثار این دوره‌ها بر تعیین گرایی اجتماعی فرایندها و برونادهای سیاسی و بر این امر که چگونه ساختارهای دولتی در کشورهای مختلف، برونادهای متفاوتی را موجب

می‌شوند، تمرکز کلی داشتند. از اوایل دهه ۱۹۸۰، جامعه‌شناسی سیاسی به سمت استفاده از آراء منحصر به فرد و قوی میشل فوکو، (۱۹۹۱، ۱۹۹۰، ۱۹۸۴، ۱۹۸۰، ۱۹۷۹)، پیر بوردیو، (۱۹۹۸، ۱۹۹۴) و دیگر پساساختارگراها و تئوریسین‌های فرهنگی مشرب، تئوری‌های فمینیستی (باتلر ۱۹۹۰، هاسبون ۱۹۹۰، هاسبون و لیند هولم ۱۹۹۶، یونگ ۱۹۹۰)، تئوری نژاد پرستی (گولد برگ ۲۰۰۲، رومی و وینانت ۱۹۹۴، وینانت ۲۰۰۱)، و دیگر تئوری‌های انتخاب عقلانی، (کلمن ۱۹۶۶، هکتر ۱۹۸۷، لانگ و گارتر ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، نورث ۱۹۹۰، تسلیز ۱۹۹۹، ۱۹۹۰، والر اشتاین ۱۹۹۹)، گام برداشت. در کنار دیگر رویکردها، این روندها تفوق تئوریک نظریه‌های تکثرگرا، اقتصادی/سیاسی دولت، محور را متحول ساختند. امروزه جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان یکی از عظیم‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی جایگاه خود را تثبیت کرده است. سهم آن در حوزه مقالات و کتاب‌های منتشر شده چشمگیر است. برای مثال در سال ۱۹۹۹، در حدود ۱۷ تا ۲۰ درصد مقالات منتشر شده در مجله آمریکایی جامعه‌شناسی و مجله امریکن سوسیولوژیکال ریویو و نیز در حدود ۲۰ درصد از کتاب‌های بازبینی شده توسط [مجله] جامعه‌شناسی معاصر، عنوان یکی از مهمترین عوامل بازنگری کننده در حوزه ی جامعه‌شناسی، به جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته بودند. تعدادی از جامعه‌شناسان سیاسی از جمله سیمور مارتین لیس و ویلیام گامسون و جیل کواد اگنو به عنوان رئیس انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، یفان نقش نموده‌اند. بخش جامعه‌شناسی سیاسی انجمن جامعه‌شناسی آمریکا به بزرگ‌ترین عضویت افراد در رده متوسط بالا ادامه می‌دهد.^۱ با این حال هنوز در کنار این نیروی حیاتی، این حوزه هنوز به وسیله فرایندها و تغییر شکل‌های تئوریک مداوم، معلق است.

اول- اگر چه تئوری دولت محور و بعدها تئوری حکومت محور را با تدا اسکاچپول و دیگران (برای مثال ایوانز، راشمیر و اسکاچپول ۱۹۸۵، اسکاچپول ۱۹۹۲، ۱۹۷۲)، می‌شناسیم که توجه زیادی به جامعه‌شناسی سیاسی معطوف داشته‌اند، اما پیشرفت‌های جدید در تکثرگرایی، تئوری‌های سیاسی، اقتصادی و سنت‌های نظری نخبه‌گرایانه، عمدتاً در دو دهه گذشته در حوزه خارج از نظارت جولان داده‌اند. رویکردهای جدید به سیاست گذاری، (بور شتین ۱۹۹۱، ناک و دیگران ۱۹۹۴) و جامعه مدنی (هال ۱۹۹۵، جاکوبز ۲۰۰۲، جانوسکی ۱۹۹۸، کیان ۱۹۸۸)، با مخفی کاری

مشابه، بدون شناسایی گسترده از جانب جامعه شناسان سیاسی، پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. این پیشرفت‌ها نشان می‌دهند که زمان حرکت از تنوع در عرصه کار تئوریک، به سمت ساخت تئوری‌های ترکیبی‌تر با ایجاد جامعه مدنی، قلمروهای سیاست‌گذاری، انجمن‌های داوطلبانه، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های ذی نفع و وارد ساختن دولت به روابط تئوریک معنا دار فرا رسیده است.

دوم- اگر چه رسانه‌های چاپی و الکترونیکی به طور مفصل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند اما این نهادها به طور کافی با مبحث جامعه‌شناسی در هم تنیدگی حاصل نکرده‌اند. علیرغم اینکه جامعه‌شناسی سیاسی ممکن است اغلب به رسانه‌ها رجوع کند، ما در درون حوزه تئوریک خود در فرایند درهم تنیدگی با رسانه‌ها به عنوان یک نیروی غیر مستقیم، نه اغلب تأثیرات مستقیم اما همیشه ناواضح بر نامزدهای سیاسی، انتخابات، استواری و روند قانونگذاری و نیز بر روند اجرا و ارزیابی فرایند سیاست‌گذاری دارد، ناامیده است. بجز در جایی که احزاب یا نامزدهای سیاسی رسانه‌ها را کنترل می‌کنند مانند ورعیتی که در ایتالیا در دوره نخست وزیری برلوسکونی حاکم بوده، تأثیر رسانه‌های جمعی اغلب تأثیری مستقیم و غیر آشکار یا حداقل به طور مداوم در مسیر طرفداری از یک حزب بوده است. اما رسانه‌ها بازیگران سیاسی هستند، نه فقط فیلترهای پرزدار اخبار و دیدگاه‌ها. درهم تنیدگی رسانه‌ها با حوزه پژوهش تجربی، بخصوص حوزه کار مقایسه‌ای به طور ویژه برای درک نقش رسانه‌های جمعی در حوزه عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (کیان ۱۹۹۱، کلتز ۱۹۹۰، شودسون و ویسورد، فصل ۱۷ این کتاب، ویلیر ۱۹۹۷، رابینز، بعدی).

سوم- بعضی از خرده تئوری‌های فرایندمدار در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، کمتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. افکار عمومی به جای آنکه چیزی خارج از چارچوب شبکه اجتماعی و رسانه‌ها تلقی شوند لازم است که در بطن این حوزه‌ها هدایت شده و پیش برده شوند (برشتاین ۲۰۰۳، گمسون ۱۹۹۲، اسپراک ۱۹۹۵). به طور یقین تئوری‌های سنجش سیاسی باید نقش گسترده‌ای را به ویژه در بررسی تأثیر دموکراسی گروه‌های کوچک، ارزیابی نظر سنجی‌ها و نشست‌های شهر الکترونیک ایفا کنند (بوهمان ۱۹۹۶، فیشکین ۱۹۹۱، فیشکین و لاسلت ۲۰۰۳، هابر ماس ۱۹۹۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۴). تئوری‌های فرایندی مربوط به دموکراسی با توجه به تغییر شکل احزاب سیاسی و

اتحادیه‌های تجاری، هویت‌های سیاسی چند گانه و در حال تغییر و تغییر در گروه‌های داوطلبانه که موجب بروز شکاف‌های میانبر می‌شوند، به همان اندازه دارای اهمیت می‌باشند. (مانزا، بروکس، و ساو در فصل دهم، شوارتز و لاوسون، فصل سیزدهم این کتاب). تبیین‌های ساختاری و فرایندی که حاوی سازوکارهای سیاسی اند لازم است که بیشتر وارد بازار شوند و حوزه در حال رشد تبیین فرهنگی لازم است که با این ترکیب در هم تنیده شود. (دایموند ۱۹۹۹، مک آدام، ثاروتیلی ۲۰۰۱، ماز و مارتین ۲۰۰۱، تیلی ۲۰۰۳).

چهارم- ارم است که بر روی شکاف مفهومی که بین دو محیط از نظر فضایی کاملاً مجزا وجود دارد- تمام سیاست‌های محلی و تمام سیاست‌های جهانی- مانند آنچه که در ادبیات جنبش‌های ضد جهانی‌سازی و شاید در مقابل شعار مشهور جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید، شاهد آنیم پلی نه شود. (برای مثال خاگرام و دیگران ۲۰۰۲، نگاه کنید به فصول مربوط به مک‌نیکلر، مانزا، فصول ۳۰ تا ۳۲ این کتاب). لازم است که به مطالعات شهری و محلی سیاست‌های سیاسی و برنامه ریزی‌های سیاسی ویلیام گوسمن که در کتاب «سیاست سخنگو» آنها را بر شمرده، توجهات بیشتری مبذول شود. (همچنین نگاه کنید به برلی و دیگران ۱۹۹۳).

باید ثابت شود که تئوری‌های ترکیبی به ازای تئوری‌های نظام جهانی امانویل والراشتاین در کتاب «نظام جهانی نوین» (۱۹۹۸) و کتاب «امپراطور» اثر مشترک مایکل هارت و آنتونیو نگری، از تنوع برخوردارند. نهایت تلاش‌هایی که مستقیماً به مسایل محلی و جهانی می‌پردازند، (مانند تلاش‌های فورکاد کوریناسی و باب ۲۰۰۲، هی ۲۰۰۱، رانی ۲۰۰۳) باید تشویق شوند.

پنجم- اگر چه بعضی مواقع انکار می‌شود ولی مطالعه حوزه سیاست اغلب تحت الشعاع حلقه‌های قدرت سیاسی قرار می‌گیرد. از یک طرف بسته به اینکه جناح راست در رأس قدرت باشد یا جناح چپ، خود سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تغییر می‌کنند. از طرفی دیگر هژمونی اجتماعی و سیاسی می‌تواند از فرایندهای دموکراتیک در جامعه و دولت رفاه به سمت خصوصی‌سازی و سازوکارهای بازار آزاد تغییر کند. این روندها نوساناتی را در عرصه پژوهش سیاسی به وجود می‌آورند، مانند تمایلات چپ‌گرایانه یا راست‌گرایانه‌ای که به ترتیب در عرصه پژوهش سیاسی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ و اخیراً دهه

۱۹۹۰ رخ داده‌اند. (برای مثال نگاه کنید به هانتز ۱۹۹۱، در کتاب «جنگ‌های فرهنگی و لینز و استفان ۱۹۷۸ و دایموند و دیگران ۱۹۸۸ در کتاب حلقه‌های دموکراسی سازی»).

هنوز اشتیاق تبیین توسعه دولت‌ها به شدت با فقدان مقایسه‌ای اشتیاق برای تئوریزه کردن و تشریح تقلیل نقش آنها شانه به شانه پیش می‌رود (کورپی و پالم ۲۰۰۳، پیرسون ۲۰۰۱). به علاوه به نظر می‌رسد که پژوهش در حوزه جنبش‌های اجتماعی تمایل دارد که در حوزه جنبش حقوق مدنی بیشتر از جنبش‌های حقوق جدید جنبش‌های بنیادگرایانه و نئولیبرال به تفحص بپردازد. هنوز هم تجهیز حقوق مذهبی از جانب جامعه‌شناسان توجه شایانی را به خود اختصاص داده است (برای مثال دایاموند، ۱۹۹۵، لیمن و سو ۱۹۸۳، لاکر ۱۹۸۴، مارشال ۱۹۹۴). در حقیقت پژوهش جامعه‌شناختی جنبش نئولیبرال - مانند یک صنعت دانشگاهی نوپا است که تازه جوانه زده است. (برای مثال می‌توان به کارها، کامپل و پررسون ۲۰۰۱، فورکید، گورینکاس و باب ۲۰۰۲، سیمونز، گارت و دوبین ۲۰۰۱، سوانک ۲۰۰۳، اشاره کرد).

ششم - تاثیر تئوری‌های پسا ساختارایی و پست مدرن و توسعه فمینیستی حوزه سیاسی، موجب بسط مفهوم قدرت از سراسر آن‌ها و نهادهای سیاسی رسمی به جانب فرایندهای سیاسی غیر رسمی شده است که اغلب - روزه‌های خصوصی یا بازار آزاد را در بر می‌گیرند، (دیر برگ ۱۹۹۷، فوکو ۱۹۹۱، ۱۹۸۴، ۸۰، ۱۹۷۹، تورفینگ ۱۹۹۹).

نویسندگان پسا ساختارگرا و پست مدرن اغلب به سسائل «بژه‌گی» پرداخته‌اند و عرصه تجربی پژوهش جامعه‌شناختی را تنگ‌تر ساخته‌اند، (حدخل که در این حوزه از هر نوع مقایسه تئوریک و تجربی که می‌شناسیم نگران کننده‌تر بوده است)، و در بعضی مواقع این تحدید کردن به منظور بسط انکار احتمال واقع‌گرایی تئوریک و نیز کنار گذاشتن قلمرو تئوریکی صورت گرفته که برای توجیه مورد معینی به کار گرفته شده است.

نویسندگان مذکور جامعه‌شناسی سیاسی را تقریباً هم ارز جامعه‌شناسی قرار داده‌اند. قبلاً نیز آشکار شد که جنبه‌هایی از سیاست را نیز نادیده گرفته‌اند. زمانی که همه چیز سیاسی می‌شود خود جامعه‌شناسی سیاسی هم پراکنده و غیر متمرکز می‌گردد. اگرچه محققان و به ویژه آنهایی که در صدد توسعه همه جانبه بنیان‌های اجتماعی علم

سیاست هستند به طور طبیعی هم نگران تحمیل مرزهایی بر جامعه‌شناسی اند ولی معتقدند که باز تعریف عناصری که جامعه‌شناسی سیاسی را تشکیل می‌دهند امری الزامی است. انکار واقع‌گرایی تئوریک، افسانه، جامعه‌شناسی و ادبیات را با هم ترکیب می‌کند. در حالی که تحلیل قلمروهای تئوریک (که بارها و بارها تا مرز ناپدید شدن پیش رفته)، مرزهای تشخیصی جامعه‌شناسی از بیوگرافی، روزنامه نگاری و تاریخ نگاری تشریحی را تیره و تار می‌گرداند.

هفتم: اگرچه موسسات و نهادها نقطه اتکای تبیین‌های جامعه‌شناختی بوده‌اند اما از چشم اندازهای جایگزین هم، چالش‌های جدیدی ظاهر شده‌اند. در سال‌های اخیر اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی، تئوری انتخاب عقلانی را برای تشریح پیکره‌بندی نهادها رها کردند. نگران در چارچوب سازمانی به کار برده‌اند (بوث، جیمز و میدول ۱۹۹۳، هاردین ۱۹۹۳، لوین ۱۹۹۱، نورث ۱۹۹۰، تسلیس، ۱۹۹۰).

مجله اقتصاد سازمانی و توسعه، البته دار این تلاش بوده است و اعطای جایزه نوبل به سخن گوی برجسته آن داگلاس نورث در سال ۱۹۹۰ انگیزه این نشریه را صد چندان کرد. جامعه‌شناسان سیاسی انگیزه زیادی پیدا کرده‌اند که به فراسوی راستی‌آزمایی و تشریح وجود نهادها به منظور تبیین، خلق و تغییر شکل آنها (برینتون و نی ۱۹۹۸، اشتاین مو، تین و لانگ استرث ۱۹۹۲) و در همان حال ارزیابی نحوه تأثیرگذاری عواطف بر بروندهای سیاسی گام نهند، (گودوین، جاسپر ر پاولت ۲۰۰۱، هوکس و چایلد ۲۰۰۱). با این حال ما هنوز لزوم انجام کار تئوریک و تجدید دانش داده‌های بیشتر، در مورد سازمان‌ها و نهادها را حس می‌کنیم (بودون ۲۰۰۳).

در میان این مارپیچ تغییر، لزوم وجود ابزارهای عقلانی حس می‌شود که بتوانند به پیمایش و یکپارچه کردن خانواده نامتجانس خرده زمینه‌هایی بپردازند که جامعه‌شناسی سیاسی آنها را به خدمت می‌گیرند. (تورنر و پاور ۱۹۸۱). چنین پیمایشی لازم است که چهار مورد زیر را به همراه داشته باشد:

۱- مشارکت‌های گوناگون را با هم وارد عرصه جامعه‌شناسی سیاسی کند و آنها را در درون یک چهارچوب مفهومی واضح و فراگیر قرار دهد.

۲- بتواند پیشرفت‌های جدید در عرصه تئوری‌های جامعه‌شناسی سیاسی را به طریقی با هم ترکیب کند که بتوانند بخش‌های بازمانده از تئوری‌های قبلی، از

تئوری‌های متداول)، را تشخیص دهند.

۳- بتواند تبیینات جامعه‌شناختی از مسایل سیاسی و امر سیاست را از طریق بنیان‌های اجتماعی علم سیاست تحکیم بخشیده و در همان حال نهادگرایی دولتی نیز بتواند به ارتقای شناسایی جامعه مدنی به عنوان بخش کلیدی بنیادها و دستاوردهای اجتماعی دولت اقدام کند.

۴- و نهایتاً بتواند تئوری‌های در حال گسترش جهانی شدن و امپراطوری را با هم تلفیق کند.

ما کتاب مرجع حاضر را عمدتاً بر اساس نشست‌های مرسوم به «دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سیاسی» که در سال ۱۹۹۸ در کنوانسیون انجمن جامعه‌شناسی آمریکا تدوین شده‌اند و آری و کنفرانسی که در سال ۲۰۰۱ با نام «تئوری‌های جامعه‌شناختی سیاسی» به عنوان انجمن جهت‌یابی مجدد تبیین‌های جامعه‌شناختی علم سیاست برگزار شده تدوین کردیم. ما بر این باوریم که کتاب مرجع حاضر می‌تواند تبیین جامعه‌شناختی را نه تنها از طریق راه مسیره‌های جدید بلکه از طریق توانمندسازی دانشجویان علوم سیاسی و تجهیز آنها به دیدگاه‌های خلاقانه برگرفته از فنون و آثار نامتشابه قبلی، بارورتر سازد.

جای خالی یک کتاب مرجع در جامعه‌شناسی سیاسی

هدف تدوین این کتاب مرجع جلب توجه و تمرکز ما بر آن جنبه‌ای است که تا حدی به وسیله هفت مورد پیشرفت ناهنجاری که بیان شدند، تیره و تاریک است. اگرچه علم جامعه‌شناسی سیاسی با تمرکز خود بر «بنیان‌های اجتماعی علم سیاست» و رویکردهای نهادی جدید خود به موفقیت چشمگیری دست یافته است، اما لازم است که پیشرفت‌های اخیر را در کنار حفظ یک حساسیت حیاتی هم پوشش دهد. تلفیق مجدد این حوزه علمی و ترکیب محتمل پیشرفت‌های جدید آن با تئوری‌های موجود در جایی که قابلیت کاربرد دارند، راههای مهمی هستند که از طریق آنها می‌توان به توسعه و تمرکز مجدد بر اهداف علم جامعه‌شناسی سیاسی نایل شد.

دوماً- به طور واضح می‌توان گفت دلیل اصلی که لزوم خلق یک کتاب مرجع جامعه‌شناسی سیاسی برای تشریح این حوزه را پیش می‌کشد این است که کتابی از این